نگاه

پیشگیری از جرائم در فضای مجازی

سردار علیرضا لطفی
رئیس پلیس آگاهی پایتخت

● در تعریف اکثر شبکه‌های اجتماعی این‌طور آمده که این شبکه به شما کمک می‌کند تا با افرادی که می‌شناسید در ارتباط و تماس باشید، اما درحال‌حاضر این شبکه‌ها به بستری برای آشنایی و تماس افرادی تبدیل شده که کاملا با یکدیگر غریبه هستند و چهره و نیت واقعی خود را پشت گیف‌ها، ایموجی‌ها و ادعاهای فریبنده‌ای که لازم نیست سندی برای اثباتش ارائه دهند پنهان می‌کنند. من و همکارانم بارها از طریق مصاحبه‌های گوناگون تلاش کرده‌ایم با اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی به شهروندان، خصوصا زنان و دختران، آسیب‌های این فضای پرخطر را به حداقل برسانیم.

در کنار افرادی که گمان می‌کنند فضای مجازی محلی برای دوست‌یابی، همسریابی و ارتباطاتی از این دست است و با کمک این فضا تلاش می‌کنند از زیر سقف خانه خود دوست و همدمی برای خود بیابند، عده‌ای از شهروندان هم گمان می‌کنند فضای مجازی صحنه‌ای است برای به‌رخ‌کشیدن جنبه‌های مختلف زندگی خصوصی‌شان! به همین دلیل لحظه‌به‌لحظه از تمام اتفاقات زندگی خود مستندسازی کرده و تصاویر را در معرض دید چشم‌های غریبه و آشنا می‌گذارند بی‌خبر از اینکه با این کار زندگی خود را تبدیل به خانه‌ای با دیوارهای شیشه‌ای کرده‌اند و به‌شدت خود را در برابر هر صدمه‌ای از سوی افراد سوءاستفاده‌گر آسیب‌پذیر می‌کنند.

در هر شبانه‌روز حجم عظیمی از اطلاعات علمی و فرهنگی از طریق شبکه جهانی اینترنت در بین افراد در نقاط مختلف دنیا تبادل می‌شود و متأسفانه در کشور ما در کنار استفاده علمی و فرهنگی نخبگان و دانشمندان، عده‌ای به درک اشتباهی از این پدیده رسیده و گمان می‌کنند این فضا فضایی است که برای سهولت ارتکاب جرم و هتک حیثیت و آبروی افراد و تهدید و اخاذی ایجاد شده است.

به همین دلیل مترصد ضبط صدا و تصویر از دیگران هستند تا با تحت فشارگذاشتن افراد و اخاذی از آنها پولی به جیب بزنند بی‌خبر از آنکه این اقدام برای کسب درآمدی بی‌زحمت، جرقه وقوع حریقی بزرگ است. وقتی شما فردی را تهدید به انتشار خصوصی‌ترین تصاویر و صداها از زندگی شخصی‌اش در فضای مجازی می‌کنید، فرد را در سطحی از فشار روانی قرار می‌دهید که در نهایت برای رهایی از این فشار دست به خودکشی یا دیگرکشی می‌زند و طمع فردی تهی از وجدان و انسانیت، به مرگ تهدیدکننده یا تهدیدشونده ختم می‌شود. علاوه‌بر اینکه اقدام به تهدید و هتک حیثیت و حرمت افراد نیز از جمله جرائمی است که در اداره شانزدهم معاونت جرائم جنایی این یگان به آن رسیدگی می‌شود.

به تازگی همکاران من در اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی به پرونده‌ای رسیدگی کردند که در آن فردی که در یکی از خوابگاه‌های مجردی شرق تهران ساکن بوده، هم‌اتاقی خود را با شلیک چهار گلوله به قتل رسانده است. قاتل در تشریح علت قتل هم‌اتاقی خود اظهار کرد، مقتول زمانی که با هم مشروب و مواد مخدر مصرف کرده بودیم و من در حالت عادی نبودم، فیلم‌های خجالت‌آوری از من تهیه کرده بود و هرگاه از او می‌خواستم تا پولی که نزد او به امانت داشتم به من پس بدهد، تهدید می‌کرد که این فیلم‌ها و تصاویر را در فضای مجازی منتشر می‌کند و هرچه در این مدت از او خواستم آن فیلم‌ها را پاک کند، نپذیرفت و من هم تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم.

-با مشاهده اتفاقاتی از این دست می‌توان پی برد که چرا اسلام در اقدامی پیشگیرانه مصرف مواد و نوشیدنی‌هایی را که قوه قضاوت و عقل آدمی را زائل می‌گردانند حرام اعلام کرده است.

-اینترنت فضای تبادل اطلاعات مفید و علمی است نه فضایی برای اغفال و اخاذی و هتک حیثیت افراد.

- پیش از آنکه همکاران من برای دستگیری افراد سوءاستفاده‌گر و اغفال‌گر وارد عمل شوند، هر شهروندی باید با رعایت نکات هشداری از وقوع حوادثی از این دست برای خود جلوگیری کند.

- فرزندان خود را به‌گونه‌ای تربیت کنید که در صورت فاصله‌گرفتن از کانون خانواده و درپیش‌گرفتن زندگی مجردی به دلیل تحصیل یا اشتغال، به‌گونه‌ای باورها و اعتقادات مذهبی در آنها درونی شده باشد که به راحتی تن به آسیب‌های زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی یا پانسیون‌های مجردی مانند استعمال سیگار، مواد مخدر، مشروبات الکلی و ارتباطات نامتعارف با جنس مخالف ندهند.

- در صورت اجبار برای زندگی به دور از خانواده سعی کنید خوابگاه و پانسیون‌های دارای مجوزی را برگزینید که با استانداردهای لازم و سلامت اخلاقی بالا اداره می‌شوند، زیرا عنوان خانه یا پانسیون مجردی بالقوه آسیب‌های متعددی را به همراه دارد و اگر در گزینش هم‌اتاقی و محل سکونت هم حساسیت لازم را به خرج ندهید، دیر یا زود با صدمات آن روبه‌رو خواهید شد.

جزئیات تازه از قتل رومینا، دختر ۱۴ ساله تالشی

شرق: پرونده قتل رومینا، دختربچه تالشی به دست پدرش با بازداشت پسری که عکس او را منتشر کرده بود وارد مرحله تازه‌ای شد.

به گزارش خبرنگار ما، بازداشت بهمن، جوانی که با رومینا ارتباط داشت و این ارتباط منجر به قتل رومینا شد، در آخرین ساعات جمعه در تالش اتفاق افتاد. این مرد یک روز قبل از بازداشت در مصاحبه‌ای ویدئویی گفته بود عموی رومینا او را تهدید به قتل کرده است.

بهمن در توضیحاتی که درباره رابطه‌اش با رومینا داده، گفته است: من و رومینا دو سال قبل از این حادثه با هم آشنا شدیم و من قصد داشتم با رومینا ازدواج کنم.

بهمن به منتقدانش که او را متهم به رابطه با یک کودک کرده‌اند هم گفت: خیلی مردان سن‌بالا هستند که چون پول دارند با دختران کم‌سن‌وسال ازدواج می‌کنند، چرا کار من بد بوده است؟ من رومینا را دوست داشتم.

آن‌طور که اطرافیان رومینا می‌گویند، بهمن موضوع خواستگاری را به یکی از نزدیکان پدر رومینا گفته و او نیز جواب داده بوده خانواده رومینا با این ازدواج موافقت نمی‌کنند. بااین‌حال بهمن یا خانواده او هیچ‌وقت برای خواستگاری رسمی و صحبت رودررو پا پیش نگذاشتند و موضوع زمانی جدی شد که خانواده رومینا متوجه شدند او از خانه فرار کرده است.

مادر رومینا: فکر می‌کردم دخترم خودکشی کرده است

مادر رومینا که این روزها داغدار دخترش است و روزهای سختی را می‌گذراند، درباره آنچه اتفاق افتاد، گفت: پدر رومینا مرد سخت‌گیری بود. البته او رومینا را از ته قلبش دوست داشت. وقتی به ما گفته شد بهمن خواستگار رومیناست، پدرش گفت رومینا را به بهمن نمی‌دهد. ما دو ماه بود که متوجه این رابطه شده بودیم. پدر رومینا طناب و مرگ موش آورد و به من گفت به رومینا بگو اگر می‌خواهد با آن پسر ازدواج کند بهتر است خودش را بکشد. حتی به من گفت تو یاد بده چطور این کار را بکند.

این زن در گفته‌هایش چندبار تاکید کرده پدر رومینا او را دوست داشت، اما فردی سخت‌گیر است. او ادامه داد: پدر رومینا درباره دخترمان سخت‌گیری می‌کرد. نسبت به کارهای او حساسیت نشان می‌داد و لباس‌پوشیدن او برایش مهم بود. چند روز قبل از حادثه دلخوری‌ای بین آنها پیش آمده بود. پدر رومینا برای او تی‌شرت خرید و به خانه آمد. رومینا را بغل کرد و گفت من تو را از ته قلبم دوست دارم. رومینا و پدرش هر دو گریه کردند، من هم گریه کردم. وی درباره شب فرار رومینا گفت: آن شب شام خوردیم و رومینا کتری را برای جوش‌آمدن آب روی اجاق گذاشت. کتری که جوش آمد، پدر رومینا خودش برای دم‌کردن چای رفت و گفت رومینا دستش را می‌سوزاند. بعد که چای دم کشید، رومینا چای آورد. او درباره این شایعه که رومینا در چای پدر و مادرش قرص خواب‌آور ریخته بود، گفت: چای را رومینا آورد و من هم نمی‌دانم قرص ریخته یا چه شده بود، اما بعد از خوردن چای همه ما خوابیدیم. صبح که بیدار شدیم، دیدم رومینا نیست. همه‌جا را گشتیم. پشت خانه را هم دیدیم، چون پدرش گفت ممکن است خودکشی کرده باشد. این زن که با صدای بلند گریه می‌کرد، گفت: من نامه‌ای روی میز رومینا پیدا کردم که نوشته بود شما می‌خواستید من بمیرم. فکر کنید حالا هم من برای شما مرده‌ام. ما تا چند روز فکر می‌کردیم رومینا خودکشی کرده است و دنبال جسد او بودیم تا اینکه عکسی به ما نشان دادند که رومینا با بهمن فرار کرده است و پدر رومینا آنجا بود که خیلی عصبانی شد.

عکس: ایلنا

فریب خوردیم

پدر بهمن هم درباره رابطه پسرش با رومینا گفت: وقتی آنها فرار کردند، من تازه فهمیدم چه شده است. بعد با پدر رومینا تماس گرفتیم و گفتیم حالا که فرار کرده‌اند بیا و رضایت بده بچه‌ها را به عقد هم درآوریم. او به همراه چند مرد دیگر از اقوامش به خانه دخترم در آستارا آمد. عاقد خبر کردیم و کارهای محضری را انجام دادیم، حتی برگه‌ای را که عکس روی آن می‌چسبانند تا آزمایش انجام شود هم از محضر گرفتیم. من متوجه شدم پدر رومینا منتظر کسی است. گفتیم عقد را شروع کنیم، گفت حالا صبر کنید. زنگ را که زدند، پدر رومینا در را باز کرد و دیدیم که مأموران پلیس هستند. آنها بهمن را بازداشت کردند. ما هرگز فکر نمی‌کردیم چنین اتفاقی بیفتد. پدر رومینا ما را گول زد.

انتشار عکس خواست رومینا بود

عصبانیت پدر رومینا با انتشار عکسی از دخترش به اوج رسید. بهمن چند روز بعد از فرار با رومینا عکسی از خودش و رومینا در فضای مجازی منتشر کرد تا به این وسیله اعلام کند او رومینا را از خانواده‌اش دزدیده است و همین هم عصبانیت پدر متعصب را به اوج رساند. این در حالی است که بهمن پیش از این گفته بود رومینا درباره اینکه پدرش فردی متعصب است و درباره رومینا بسیار سخت‌گیری می‌کند صحبت کرده بود و می‌دانست پدر رومینا دخترش را به‌خاطر بهمن تحت فشار قرار داده است. او درباره اینکه باوجوداین چرا اقدام به انتشار عکس کرده است، گفت: من رومینا را به خانه خواهرم بردم و چند روزی آنجا میهمان بودیم. رومینا از من خواست عکسی منتشر کنم تا مشخص شود که با هم فرار کرده‌ایم. چون رومینا خواست، من این کار را کردم. من آن دختر را دوست داشتم.

بهمن گفت: من حالا هم اذیت می‌شوم. مردم می‌گویند تا به حال دو دختر دیگر را هم فراری داده‌ام، درحالی‌که دروغ است. من این کار را نکرده‌ام. مردم می‌گویند مقصر تو بودی، اما من نمی‌خواستم این‌طور شود. عموی رومینا با من تماس گرفت و من را تهدید کرد و گفت من را با گلوله می‌کشد. آنها من را تهدید می‌کنند.

بعد از مصاحبه‌های بهمن، این جوان که مدعی شده بود ممکن است به قتل برسد، از سوی مأموران به دستور بازپرس به اتهام آدم‌ربایی و شواهد به‌دست‌آمده درباره اینکه بهمن در تحریک پدر رومینا برای قتل نقش داشته است بازداشت شد.

شبی که رومینا کشته شد

مادر رومینا تنها شاهد قتل دخترش است. او درباره اینکه رومینا چطور کشته شد، گفت: رومینا و برادرش خوابیده بودند، من هم به سمت حمام رفتم. چند تکه لباس برای شستن داشتم. رفتم که لباس‌ها را بشویم، یک‌دفعه پدر رومینا به حمام آمد و در را روی من بست. همان لحظه فهمیدم همه‌چیز تمام شد. فریاد زدم، به در کوبیدم، جیغ کشیدم و کمک خواستم. وقتی توانستم بیرون بیایم که کار از کار گذشته بود و پدر رومینا او را کشته بود. بعد با همان داس بیرون رفت و مردم را خبر کرد. من نمی‌توانم این مرد را ببخشم و از او طلاق خواهم گرفت. من اصلا نمی‌توانم دیگر در روی او نگاه کنم. گردن رومینا را زده بود. من قصاص می‌خواهم.

این زن درباره نحوه آشنایی رومینا و بهمن گفت: بهمن در همین روستا زندگی می‌کند. از مقابل خانه ما رد می‌شد و این‌طوری رومینا را دیده بود. البته او به همسایه ما که نسبت فامیلی هم داریم گفته بود رومینا را می‌خواهد، اما همسایه به ما چیزی نگفت و از خودش گفته بود که این خانواده به تو دختر نمی‌دهند.

بنا بر این گزارش، پدر رومینا به اتهام قتل دخترش همچنان در بازداشت است و بازداشت بهمن به اتهام آدم‌ربایی و تحریک به قتل، این پرونده را وارد مرحله جدیدی کرده. گفته شده برای رسیدگی به این پرونده دستور ویژه صادر شده است.

تحقیق درباره آزار و اذیت دختر معلول ذهنی

شرق: دختر معلول ذهنی که برای چند روزی به خانه پدری‌اش رفته بود، از سوی اقوام مورد آزار و اذیت قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، مدتی قبل یکی از مددکاران بهزیستی گزارشی را به مقامات بالاتر ارائه داد که از یک تعرض هولناک خبر می‌داد. این مددکار در گزارشش به مسئولان بهزیستی نوشت که دختری نوجوان که دارای معلولیت ذهنی است و در این مرکز نگهداری می‌شود، بعد از بازگشت از خانه پدری‌اش دچار حملات عصبی شدید شده و رفتارهای عجیب زیادی داشته که بعد از بررسی معلوم شده این دختر مورد تعرض اقوام قرار گرفته است. با اقدام مسئولان بهزیستی، پرونده‌ای علیه اعضای خانواده این دختر تشکیل و برای رسیدگی به شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. مددکار این دختر معلول ذهنی در توضیح یافته‌هایش به قضات شعبه ۱۲ گفت: روناک دختر نوجوانی است که از چندسال قبل برای نگهداری به مرکز بهزیستی‌ای که من در آن کار می‌کنم سپرده شد. روناک دچار کندذهنی است و معلولیت ذهنی‌اش باعث شده مانند انسان‌های دیگر نتواند زندگی کند و مراقبت بسیاری نیاز دارد. از آنجایی که خانواده‌اش ادعا کرده بودند توانایی نگهداری از او را ندارند، این دختر را به بهزیستی سپردند. طبق روال و قانون، بچه‌هایی که دارای معلولیت ذهنی هستند و خانواده دارند می‌توانند در صورت تمایل خانواده‌شان چندروزی پیش آنها بمانند. روناک هم گاهی به درخواست خانواده‌اش به خانه می‌رفت تا اینکه بار آخر وقتی که روناک از خانه به مرکز بهزیستی برگشت، من متوجه شدم این بچه دچار حملات عصبی شدیدی شده است. او خوب غذا نمی‌خورد، دیگر مثل قبل شاد نبود و بسیار عصبی و پرخاشگر رفتار می‌کرد و کسی نمی‌توانست به او نزدیک شود. ارتباط برقرارکردن با این بچه‌ها بسیار سخت است. بعد از چند روز تلاش موفق شدم با روناک ارتباط برقرار کنم و او به من اعتماد کرد و برایم گفت که در خانه مورد آزار و اذیت قرار گرفته است. وی گفت: روناک به‌شدت آسیب دیده و صدمات روانی به او بسیار سنگین است. روناک مدعی است خواهرش این مسئله را دیده است. بعد از گزارش مددکار و شکایت از سوی بهزیستی، تحقیق در شعبه ۱۲ از این دختر نوجوان آغاز شد. روناک که خوب هم نمی‌توانست صحبت کند و با لحن و زبان خودش برای قضات توضیح می‌داد، گفت: وقتی به خانه رفتم و با خانواده بودم، چند نفر از مردان فامیل به‌زور من را اذیت کردند. من می‌خواستم زودتر به بهزیستی بیایم، ولی چند روز من را نگه داشتند. خواهرم هم در خانه بود. مادرم هم بود، ولی خواهرم دید که با من چه کارهای بدی کردند. بعد از این گفته بود که قضات روناک را برای بررسی دقیق پزشکی به پزشکی قانونی معرفی کردند. متخصصان بعد از معاینه این دختر نوجوان معلول ذهنی تعرض به او را مورد تأیید قرار دادند. در نظر کمیسیون پزشکی آمده است که روناک مورد آزار و اذیت قرار گرفته و آثار این آزار روی بدن او مشهود است. با توجه به وضعیت ذهنی این دختر و ناتوانی در محافظت از خودش، او مورد آزار و اذیت قرار گرفته و صدمات روانی‌ای که به این دختر وارد شده بسیار شدید بوده است. این در حالی است که قضات دستور تحقیقات گسترده‌ای را درخصوص خانواده این دختر صادر کردند و بر اساس گزارش‌ها مشخص شد این دختر در یک خانواده شش‌نفره زندگی می‌کند و معلولیت ذهنی او باعث شده تا خانواده که از فقر اقتصادی نیز رنج می‌برند نتوانند از عهده هزینه‌های این دختر بربیایند و او را با توجه به شدت مشکلی که داشته، به بهزیستی بسپرند. این در حالی است که روز حادثه به‌جز اعضای خانواده، چند نفر از مردان فامیل نیز میهمان خانواده بودند. همچنین مشخص شد هرچند این دختر در یکی از مراکز بهزیستی نگهداری می‌شده و دور از خانواده بوده، اما نزد مربیانش احساس امنیت بالایی داشته و دختر شادی بوده است. تغییر روحی ناگهانی این دختر باعث شده تا روان‌شناسان مرکز بهزیستی و مربی مستقیم او، این دختر را تحت نظر بگیرند و مشخص شود که او دچار ضربه روحی شدیدی شده است. حملات عصبی پی‌درپی و تغییر رفتار این دختر مربی را به شک انداخته و در نهایت بعد از چندین جلسه مشاوره موفق شده به راز هولناکی که این دختر را آزار می‌داده است پی ببرد. با توجه به اینکه دختر معلول ذهنی به قضات گفته است که خواهرش نیز شاهد این آزار بوده و می‌داند چه اتفاقی برای او افتاده است، دستور احضار خواهر دختر صادر شد و همچنین دستور قضائی برای بازداشت و تحقیق از مردانی که دختر معلول مدعی را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند نیز آغاز شده است.

ادعای قتل همسر به دستور اجنه

شرق: مردی که مدعی بود به دستور اجنه همسرش را به قتل رسانده، به‌زودی پای میز محاکمه خواهد رفت. کیفرخواست این متهم پس از اخذ آخرین دفاع از سوی بازپرس سوم دادسرای جنایی تهران صادر شد تا رسیدگی به این پرونده در دادگاه کیفری استان تهران ادامه پیدا کند. به گزارش خبرنگار ما، ۲۵ آذر سال گذشته وقوع یک قتل در شمال تهران به پلیس گزارش شد. آن روز مردی به مرکز فوریت‌های پلیس تلفن زد و از قتل عروس ۳۶ساله‌اش خبر داد و گفت پسرش همسر خود را کشته است. وقتی مأموران در محل حادثه حاضر شدند، معلوم شد مقتول بر اثر خفگی جانش را از دست داده است. مقتول به همراه همسر و فرزندانش در طبقه بالای ساختمان و خانواده شوهرش نیز در طبقه اول زندگی می‌کردند. پدرشوهر این زن گفت: دقایقی قبل، پسرم بچه‌هایش را به طبقه پایین آورد و به من سپرد. او گفت همسرش را به قتل رسانده است. بعد هم مدعی شد می‌خواهد به مغازه برود و سیگار بخرد. من که شوکه شده بودم، سراسیمه به طبقه بالا رفتم و با جسد عروسم روبه‌رو شدم و پلیس را خبر کردم. در جریان تحقیقات معلوم شد متهم به قتل پدرام نام دارد و متولد سال ۵۷ است. او ۱۲ سال قبل با همسرش ازدواج کرده و دو فرزند دارند اما این زوج از مدت‌ها قبل با یکدیگر اختلاف پیدا کرده بودند. پدرام پس از قتل فراری شده بود اما مأموران که احتمال می‌دادند قاتل به خانه برمی‌گردد، آن حوالی را زیر نظر گرفتند تا اینکه مرد جوان در نزدیکی خانه‌اش مشاهده و دستگیر شد. او پس از دستگیری به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: شب قبل از حادثه با همسرم که اصرار داشت طلاقش بدهم، درگیر شدم و این بحث و اختلاف‌ها تا صبح طول کشید. او می‌گفت طلاق می‌خواهد و من تلاش می‌کردم منصرفش کنم اما نتوانستم. تا اینکه صبح درحالی‌که فرزندانم در اتاقشان خواب بودند، یک پیراهن برداشتم و آن را دور گردن او انداختم و وی را به قتل رساندم. با اعترافات این مرد، وی بازداشت شد و برای تحقیقات اولیه به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران انتقال یافت. او وقتی پیش‌روی قاضی ساسان غلامی قرار گرفت، جزئیات جنایتی را که مرتکب شده بود، فاش کرد و مدعی شد اگر همسرش را به قتل نمی‌رساند، ممکن بود خودش کشته شود. او ادعا کرد: از چند وقت پیش متوجه شدم همسرم داخل غذا قرص می‌ریزد تا مرا بکشد. این مرد مدعی بود این راز را اجنه‌ها برایش فاش کرده‌اند. او گفت: آنها مدام مرا می‌پاییدند و باید هرچه می‌گفتند، انجام می‌دادم. انگار تسخیرم کرده بودند. اجنه به من گفتند همسرت داخل غذا قرص می‌ریزد و می‌خواهد جانت را بگیرد. حتی لحظه‌ای که همسرم این کار را کرده بود، به من نشان دادند. من از وقتی در تسخیر اجنه بودم، تصاویر مبهم و عجیب می‌دیدم. سایه‌هایی می‌دیدم. همیشه اذیتم می‌کردند، خصوصا وقتی در خانه تنها بودم. ناگهان شیر آب باز یا بسته می‌شد و من ناچار بودم از آنها اطاعت کنم. این متهم مدعی بود چندین بار ماجرا را به همسرش گفته ولی همسرش او را مسخره کرده و گفته بود او جنون دارد. متهم توضیح داد: بارها سر همین مسئله با هم درگیر شدیم و حتی همسرم دو بار قهر کرد و از خانه رفت. این مرد در جلسه بازپرسی گفت: خودم نمی‌دانستم ممکن است مشکل روانی داشته باشم. حالا هم مدام با خودم می‌گویم شاید اگر همسرم مرا نزد یک دکتر می‌برد و دارویی به من می‌دادند شاید بهتر می‌شدم و چنین کاری انجام نمی‌دادم. از روزی که دستگیر شده‌ام، اصلا نمی‌توانم بخوابم و آرزو می‌کنم کاش زمان به عقب برمی‌گشت، آن‌وقت هرگز این کار را انجام نمی‌دادم.

او همچنین در جلسه آخرین دفاع قبل از صدور کیفرخواست گفت: شرمنده خانواده هستم اما چه فایده دارد. اگر دنیا هم به من رضایت بدهد، من هرگز خودم را نخواهم بخشید. بازپرس با اخذ آخرین دفاع از متهم قرار مجرمیت را علیه او صادر کرد.

رخداد

کلاهبرداری میلیاردی مادر و دختر

● **شرق:** مادر و دختری که با عنوان سرمایه‌گذاری و انجام کار خیر یک میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بودند، دستگیر شدند. سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی پایتخت گفت: یکم اردیبهشت‌ماه زنی با مراجعه به دادسرای ناحیه ۴ تهران پرونده‌ای با موضوع کلاهبرداری تشکیل داد و پرونده به دستور بازپرس شعبه دوم دادسرا برای رسیدگی تخصصی به پایگاه چهارم پلیس آگاهی ارجاع شد. رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ افزود: شاکی اظهار کرد «سال ۹۴ با زنی به نام نسرین ۴۸ ساله در مؤسسه‌ای خیریه آشنا شدم و برای سرمایه‌گذاری مبلغ یک میلیارد ریال به وی دادم و او هم برای تضمین، چک و سفته داد که پس از عدم اجرای مفاد قرارداد فهمیدم از من کلاهبرداری شده است و با مراجعه به در منزل نسرین متوجه شدم شاکیان دیگری نیز حضور دارند و متهم از آنها هم کلاهبرداری کرده است». سرهنگ نثاری افزود: با تحقیقات پلیسی مشخص شد نسرین به همراه دخترش به نام افسانه از شهروندان کلاهبرداری کرده‌اند که با بررسی سوابق کیفری متهمان مشخص شد هر دو متهم از مجرمان سابقه‌دار در زمینه کلاهبرداری و صدور چک بلامحل هستند. این مقام انتظامی در ادامه بیان کرد: در شاخه دیگری از تحقیقات انجام‌شده مشخص شد هر دو متهم با همکاری یکدیگر و با هویت‌های جعلی از افرادی که به عنوان خیّر در مجالس حضور دارند، کلاهبرداری و پول‌های حاصل از کلاهبرداری را به دلار تبدیل کرده و برای یکی از دخترانش به نام آذر که در اروپا حضور دارد، ارسال می‌کنند. او با اشاره به اینکه مخفیگاه هر دو متهم در حوالی خیابان محبوب‌مجاز شناسایی شد، بیان کرد: با هماهنگی‌های قضائی هر دو متهم در عملیاتی پلیسی در ۲۷ اردیبهشت دستگیر شدند و در بازرسی از مخفیگاه آنها تعداد زیادی فاکتور خرید، کارت ویزیت، سیم‌کارت و گوشی کشف شد. این مقام انتظامی ابراز کرد: هر دو متهم پس از انتقال به پلیس آگاهی به جرم ارتکابی با هویت‌های جعلی اعتراف کردند و با دستور بازپرس پرونده با صدور قرار تأمین قانونی روانه زندان شدند. به گفته سرهنگ نثاری تحقیقات برای شناسایی سایر شاکیان کماکان ادامه دارد.

اعتراف به ۳۰ فقره موبایل‌قاپی

● **شرق:** سه سارق که موبایل ۳۰ نفر را سرقت کرده بودند، دستگیر شدند. سرهنگ کارآگاه علی کنجوریان، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی پایتخت، دراین‌باره اظهار کرد: در پالایش‌های اطلاعاتی مشخص شد تعدادی از متهمان سابقه‌دار در زمینه کیف‌قاپی با تشکیل باندی مجرمانه به سرکردگی فردی به نام سعید در محدوده جنوب شرق تهران از شهروندان موبایل‌قاپی می‌کنند و به فردی در چهارراه مولوی می‌فروشند. او افزود: کارآگاهان با هماهنگی قضائی موفق شدند پاتوق متهمان را در خیابان مولوی شناسایی کنند و پس از چند روز تعقیب و مراقبت درنهایت در عملیاتی ضربتی سعید ۲۶ ساله به همراه دو نفر از همدستانش به نام‌های محمد ۲۳ ساله و محسن ۳۰ ساله را دستگیر کردند که در بازرسی از مخفیگاه آنان چهار دستگاه تلفن همراه سرقتی و یک قبضه سلاح سرد کشف کردند. این مقام انتظامی گفت: متهمان در بازجویی‌های اولیه اظهار کردند که در زندان با هم آشنا شده‌اند و پس از آزادی از زندان در شهریور سال گذشته با پیشنهاد سعید باند سرقتی را تشکیل و تاکنون ۳۰ فقره موبایل‌قاپی به ارزش دو میلیارد ریال انجام داده‌اند. او گفت متهمان درباره شیوه و شگردشان اظهار کردند: با استفاده از یک دستگاه موتورسیکلت که پلاک آن را مخدوش کرده بودیم در سطح شهر می‌چرخیدیم و شهروندانی را که حواسشان به اطرافشان نبود و در حال مکالمه با تلفن بودند، شناسایی و در فرصتی مناسبی موبایلشان را سرقت می‌کردیم و گوشی‌های سرقتی را به فردی به نام اکبر ۴۳ ساله در چهارراه مولوی می‌فروختیم. سرهنگ کنجوریان گفت: با هماهنگی قضائی مالخر اموال سرقتی نیز دستگیر و در بازرسی بدنی از او سه دستگاه گوشی سرقتی که در همان روز خریداری کرده بود و همچنین مبلغ ۳۰ میلیون ریال وجه نقد کشف شد. رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی گفت: اکبر صراحتا به خرید گوشی مسروقه از سارقان اعتراف کرد و سپس با تلاش کارآگاهان پایگاه تاکنون ۲۵ نفر از مال‌باختگان شناسایی و متهمان با قرار تأمین مناسب برای تکمیل تحقیقات و شناسایی سایر در اختیار پایگاه قرار دارند.

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری (سهامی خاص)

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای تأمین کالا ۰۱۵/ت ک آج / ۹۹

شماره مجوز ۱۳۹۹.۹۶۸

نوبت دوم

شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای کالای مشروحه ذیل را از طریق شرکتهای تامین کننده داخلی خریداری نماید:

۱-شرح مختصر کالای مورد نیاز: - کمپرسور کوپلند ۴۰ تن و ۲۰ تن - موتور فن، رول فن و پروانه کولر پنجره ای ۱۸۰۰۰

اطلاعات تکمیلی متعاقبا به همراه فرم مناقصه ارسال می گردد.

۲-محل تحویل کالا : شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری - اداره تدارکات و امور کالا

۳-نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ضمانامه بانکی به مبلغ ۳۹۹/۴۰۰/۰۰۰ریال

۴- شرایط متقاضی : توانایی ارائه تضمین شرکت در مناقصه و تضمین انجام تعهدات قرارداد طبق ضوابط

جاری شرکت ملی نفت ایران/داشتن شخصیت حقیقی حقوقی/شماره اقتصادی، توانایی مالی، ارائه سوابق کاری و همچنین مدارک و گواهینامه های مرتبط و متناسب با موضوع مناقصه

متقاضیان می توانند پس از انتشار آگهی نوبت دوم با مراجعه حضوری و یا پایگاه اطلاع رسانی زیر نسبت به تهیه و تکمیل اطلاعات مورد نیاز اقدام نموده و تقاضای کتبی خود را به همراه مدارک درخواستی حداکثر ظرف مدت ۱۴ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم جهت ارزیابی کیفی و بررسی صلاحیت تأمین کنندگان در ارتباط با موضوع مناقصه به آدرس مناقصه گزار تسلیم نمایند.

شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری پس از بررسی اسناد و مدارک واصله و ارزیابی کیفی مناقصه گران طبق قانون برگزاری مناقصات از شرکتهای واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت بعمل خواهد آورد.

ضمنا" ارائه مدارک و سوابق هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد و این شرکت در رد یا قبول پیشنهادات در چارچوب قانون برگزاری مناقصات مختار است.

(فقط مدارک ارزیابی ارسالی که در دفتر خانه رسمی کپی برابر اصل شده باشد مورد استناد خواهد بود)

آدرس پایگاه اطلاع رسانی: http://agogpc.nisoc.ir **بخش مناقصه ها، مزایده ها**

نشانی محل اعلام آمادگی و دریافت اسناد: استان خوزستان - شهرستان امیدیه - بلوار نفت - شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری /اداره تدارکات و امور کالا فکس: ۰۶۱۵۲۶۲۲۶۸۳ تلفکس: ۰۶۱۵۲۶۲۰۸۹۷ فاکس: ۳۵۰۴داخلی ۰۶۱۵۲۶۲۲۲۷۳

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری